

نوشته شده توسط: م. ع. اطراف

اوضاع مبهم سياسي، اقتصادي و نظامي در افغانستان

بحران سياسي، اقتصادي و نظامي در افغانستان قرين به بن بست رسیده است. تعدد احزاب، هرم، حلقات و گروپ هاي مختلف سياسي و اجتماعي باعث تفرقه و اختلافات در جامعه افغاني گرديده که وحدت ملي افغان ها را که در اين مقطع خاص زمان حيثيت حيات و ممات را دارد بمخاطره انداخته است. هيچ کس از اسب آيدولوژي، مرامي و منافع سازماني، قومي، سمتي و گروهی خود پايين نمي آيد تا با هموطنان خود وحدت ملي و جبهه متحد ملي را تشکيل نمايند و افغانستان را از اين بحران نجات بدهند. مشکل در قشر بالايي و چيز فهم جامعه است. در بخش اقتصادي دارايي هاي ملي افغانستان حيف و ميل ميشود. خصوصي سازي، قراردادهاي اقتصادي واستخراج معادن افغانستان بدون يك ستراتيژي ملي و منظور شده خودسرانه بدون ارزيابي، کنترول و نظارت عقد و امضا ميشود. اختلاس ها بحدي گسترش يافته که در سطح جهاني به اخراج غيرقانوني و فرار سرمايه ها از افغانستان روزانه در حدود ده مليون دالر اعتراف شده است. در بخش نظامي تروريزم و انتي تروريزم در توازن و معادله مساوي قرار گرفته است که دورنماي صلح و امنيت رادر افغانستان به چالش کشانیده است. ادامه جنگ به اوضاع اسفناک و دردناک مردم و کشورما روزتا روزميافازايد. هرروزیکه ميگذرد خون هاي گرم و تازه ريخته شده ميرود وکشورما در باتلاق بي عدالتي تفرقه افگني، فساد، اختلاس، بي امني و جنگ فروميرود. همه جوانب در گير جنگ و کارشناسان اعتراف ميکنند که راه حل بحران افغانستان از طريق نظامي نا ممکن است. يگانه چاره اساسي راه مصالحه و صلح است. آقاي حامد کرزي تلاش هاي صلح را براه انداخته است خدا کند که مؤفق شود. اگر بحران افغانستان صرفاً علل داخلي ميداشت تلاش هاي کرزي صاحب نتايج مثبتي را در قبال ميداشت. اما با تأسف که بحران افغانستان ابعاد داخلي، منطقوي و جهاني دارد که به اين سادگي ها قابل حل نميباشد. دولت اقاي اوباما اعلان داشته است که خروج عسا کر

خود را از افغانستان در نیمه سال ۲۰۱۱ آغاز مینماید. اگر آقای حامد کرزی با تلاش های خود بتواند يك صلح مؤقت، شکننده و ناپایه دار را با همسایه های جنوب شرق و غرب افغانستان برقرار نماید يك گامی را در جهت خروج عساکر خارجی از افغانستان بر میدارد که مورد تأیید و توافق همسایه های افغانستان و بعضی حلقات داخلی در کشورها خواهد شد. اما کی تضمین میکند که افغانستان بار دیگر عرصه جنگ های داخلی و یا صحنه تاخت و تاز پراکسی های ملیشایی کشورهای همسایه و قدرت های جهان تحت پوشش شعارها و نامهای دیگر نخواهد شد. يك عده زیاد کشورها در افغانستان منافع ستراتیژیک و نفوذ دارند که بدون همکاری، موافقت و تعهد آنها صلح در افغانستان پیاده شده نمیتواند. بحران افغانستان میتواند صرف از طریق يك کنفرانس بین المللی تحت نظارت سازمان ملل متحد حل و فصل شود به شرطیکه در کنفرانس مذکور افغانستان بحیث کشور غیر منسلک و سرزمین دوستی و صلح اعلام شود و امنیت افغانستان از طرف کنفرانس مذکور در يك فیصله نامه تضمین شود و شورای امنیت سازمان ملل متحد فیصله نامه مذکور را تأیید و تصویب نماید تا ضمانت اجرایی پیدا کند. در پهلوی آن مرکز رهبری، تعلیم گاه، مغز شویی، سوق و اداره تروریزم هم بسته شود. کشت و قاچاق مواد مخدر کنترل و تحت نظارت در آورده شود. کمتر از این شرایط، افغانستان را دوباره در معرض مداخلات رقبای ستراتیژیک منطقوی و جهانی و مافیای مواد مخدر قرار میدهد. نباید افغانستان را تنها گذاشت و اشتباهات گذشته را تکرار کرد. افغانستان نیاز به همکاری و کمکهای بین المللی دارد که در جنگ های تحمیل شده سه دهه اخیر ویران شده است. بیایید افغانستان را بحیث مرکز دوستی، صلح و تفاهم، همکاری های فرهنگی، اقتصادی، تجارتي و شاهراه ترانزیت اموال و تمدید پایب لاین های نفت و گاز تبدیل کرد تا همه کشور های جهان در يك رقابت سالم از منابع سرشار افغانستان و منطقه بهرمنند شوند و از وقوع احتمالی جنگ سوم جهانی در این منطقه داغ جهان جلوگیری گردد. وظایف و مسؤولیت های ما افغانها در این حالت بحرانی و جنگ در کشور ما چه است؟

-باید همه افغانها این واقعیت را در نظر و عمل بپذیرند که افغانستان مادر وطن همه اتباع کشور ما است. هیچ کس و هیچ قوم امتیاز خاص ندارد. دوره های تاریک گذشته به پایان رسیده نباید دوباره اchiاء و دامن زده شود. با درك و قبول این واقعیت عدالت و مساوات در کشور ما تأمین میگردد و ما میتوانیم وحدت ملی افغانها را در سراسر کشور برقرار نموده و بخاطر تأمین اهداف و منافع ملی مان مشترکاً کار و مبارزه نماییم و نقش قوم گراها و سمت گراهای افراطی را خنثی بسازیم. **باید از نهال نو غرس شده دموکراسی پرستاری، حمایت و حراست کرد و نگذاریم که روند دموکراسی دوباره در انتخابات ها لگد مال شود.** دموکراسی مشکل کشای مسایل، معضلات و موضوعات ملی کشور ما میباشد که قرن ها به حل آن مؤفق نشده ایم. بشرط اینکه در تطبیق آن صادق باشیم و از اصول دموکراسی شفاف و غیر جانب دار رعایت و حمایت نماییم. کلیمه دموکراسی برای یکده زیاد علماً دین و مردم بیسواد کشور ما نا مانوس است. اگر مفهوم و معنای دموکراسی به مردم و علماً دین توضیح و تشریح شود **که دموکراسی حکومت مردم از طرف مردم و برای مردم است** به یقین کامل که دموکراسی از جانب همه مردم و علماً دین حراست و حمایت خواهدشد. امروز کشور ما در يك بحران عمیق جهانی درگیر و دست به گریبان است. برای چیره شدن بر اوضاع کنونی کشور خود باید علل بحران کنونی را که دامنگیر کشور ما گردیده است تشخیص نموده حوادث و انکشافات سیاسی، نظامی و امنیتی رادر کشور خود بررسی نماییم تا بتوانیم با رویداد های کشور خود باسنجش و تدبیر برخورد نماییم. **همیشه تصامیم و عملکردهای ذهني و احساساتي افغان ها را در طول تاریخ به ناکامی های سیاسی مواجه ساخته است.** انکشافات حوادث کشور ما از حمله نظامی و شکست اردوی شوروی و متلاشی شدن اردوی افغانستان آغاز میشود که اوضاع سیاسی و نظامی در افغانستان را به نفع پاکستان تغییر داد. امریکا هم افغانستان را رها کرد و مسایل افغانستان را به پاکستان واگذار کرد.

دکتور نجیب اله رئیس جمهور وقت افغانستان قدرت دولتی را بوساطت سازمان ملل متحد

مسالمت آمیز به دولت مجاهدین که در پشاور تشکیل گردیده بود تسلیم نمود تا از جنگ و خون ریزی جلوگیری کرده باشد که سرانجام جان خود را فدای صلح درکشور کرد.

مجاهدین که به هفت گروه در پاکستان و هشت گروه در ایران منقسم شده و در جریان جهاد تبارز کرده بودند و خودها را به اشتراک در دولت مستحق میدانستند بالای تقسیم قدرت در شهر کابل با هم جنگیدند که منجر به تلفات عظیم انسانی و تخریب شهر کابل گردید. پاکستان که نفوذ اش را در حکومت ائتلافی مجاهدین از دست داده بود در فکر و چاره دیگری برآمد که تحت پوشش طالبان با چهره های پوشیده بالای افغانستان حمله کرد و از طرف شب ها در تاریکی در افغانستان پیشروی میکرد. دولت مجاهدین را بدون مقاومت سقوط داد و از طریق طرح و تطبیق برنامه های دیکتاتوری شریعت و امنیت استبدادی حاکمیت طالبان را بر قسمت زیادی از افغانستان مستقر ساخت و از مقاومت و مخالفت مردم با استفاده از نام دین جلوگیری کرد. صرف شهید احمدشاه مسعود، یاران و متحدین اش مقاومت کردند و تا آخر رزمیدند و از افغانستان دفاع کردند.

حادثه نابهنگام ۱۱ سپتامبر پل پای متهمین را به آدرس بن لادن و القاعده که در پناه و تحت حمایت به اصطلاح دولت دوست پاکستان در کندهار مقیم بودند ردیابی شد که منجر به حمله نظامی امریکا به افغانستان گردید. به اتکاً چشم دید های باشندگان شهر کندز در جریان گرماگرم بمباران مواضع طالبان در کندز دو فروند طیاره از پاکستان به میدان هوایی نشست کرد و نقاب پوشان پاکستانی را از کندز به پاکستان منتقل ساخت. با سقوط دولت نام نهاد طالبان افغانستان از سلطه مستقیم و غیرمستقیم پاکستان آزاد گردید.

روابط امریکا و پاکستان بعد از عقد قرارداد ستراتیژیک ائومی بین هند و امریکا به سردی گرایید. شکست طالبان و آزاد سازی افغانستان از سلطه و نفوذ پاکستان روابط این دو کشور را بیش از پیش مکرر ساخت. پاکستان مجدداً طالبان، بن لادن و القاعده را که به پاکستان متواری شده بودند در قلمرو خود دوباره تنظیم و تسلیح نمود و به ملیشاهها و چریک های منطقوی و جهانی اجازه داد که آزادانه به پاکستان سفر نمایند و در عملیات های

جنگی بر ضد دولت افغانستان و قوای نظامی امریکا و ناتو اشتراک نمایند. جنگ پراکسی چریکی و انتحاری پاکستان علیه نیروهای نظامی امریکا، ناتو و افغانستان دوباره آغاز گردید و روز تا روز با سلاحهای پیشرفته مجهز گردید و با تاکتیک های جنگ چریکی و حملات انتحاری توازن در جنگ تروریسم و انٹی تروریسم را به نفع پاکستان تغییر داد. پاکستان تبلیغ و توصیه میکرد که تروریسم در بین اقوام پشتون نهفته است اگر سرکوب نشوند امریکا به سرنوشت اتحاد جماهیر شوروی به شکست مواجه خواهد شد و استدلال میکرد که اکثریت اعضا جنبش طالبان از اقوام پشتون هستند. بدین ترتیب پاکستان توانست جنگ را بین مردم افغانستان و قوای امریکا و ناتو شعله ورساخت. و امریکا هم ناسنجیده دهات و روستا های افغانستان بخصوص مناطق پشتون نشین دو طرف خط دیورند را متواتر بمباران کرد و جای پای خود را در افغانستان داغ و داغ تر ساخت. در حالیکه ترورستان از قلمرو پاکستان به روستا ها ودهات پشتون نشین افغانستان مطابق پلان مطروحه پاکستان فرستاده میشود و به عملیات ترورستی اقدام میکردند. باوصف فریاد های آقاي کرزي و دولت افغانستان هیچ کس توجه نکرد که اداره، رهبری، تعلیم گاهها، تربیه، مغزشویی، تمویل، تجهیز، اکمالات، تداوی زخمیان و مراکز قومانده و سوق الجیشی ترورستان در خاک پاکستان فعال بودند و هستند. پاکستان که با افغانستان و بخصوص با پشتون ها معضله تاریخی ارضی و مرزی دارد توانست تروریسم را به پشتون ها نسبت بدهد و پشتون ها را تحت ضربات امریکا و ناتو قرارداد و برای تأمین اهداف خود، امریکا و ناتو را استعمال کرد و مسیر انٹی تروریسم را به انحراف کشانید. از سوی دیگر از مجبوریتهای مهاجرت افغانها در پاکستان سوء استفاده کرد و يك عده افغان های بینوا را با دادن پول استخدام و در صف تروریسم به افغانستان میفرستاد. قصه های وحشتناک بمباران امریکا در افغانستان از طرف پاکستانی ها بر ضد امریکا تبلیغ میشد که زمینه سرباز گیری تروریسم را در قلمرو پاکستان مساعد ساخت. جنگ تمام عیار پاکستان تحت پراکسی طالبان و القاعده با امریکا و ناتو آغاز گردید. **اگر این جنگ ها حقیقی باشد و یا**

زرگري قربانيان آن افغانها و بخصوص پشتون ها هستند. **كسانيكه با آتش بازي ميكنند و خانه هاي همسايه هاي خود را آتش ميزند، انتظار روزي را داشته باشند كه خانه هاي خودشان هم در آتش بازي خواهد سوخت.**

انگلستان كه براي حفظ نفوذ اش در منطقه بالاي پاکستان اتكأ و حساب ميكرد با پياده شدن امريكا در منطقه آرزو هائيش به يأس مبدل گشت و در دوراهي قرار گرفت كه از پاکستان حمايت كند يا از امريكا. از قرآين چنين معلوم ميشود كه يك بازي بزرگ در افغانستان و منطقه در حال تكوين است. در يك قطب اين بازي بزرگ امريكا و ناتو قرار دارد و در قطب ديگران پاکستان و تروريزم صف آرايي كرده اند كه توازن قوا را با هم متعادل ساخته است. ساير كشور هاي منطقه و جهان كه در افغانستان و اطراف افغانستان منافع ستراتژيك دارند با در نظر داشت منافع شان با يكي از اين دو جناح موضع گيري كرده و يا خواهند كرد. اگر اوضاع به اين منوال ادامه پيدا كند اميد صلح و همزيستي مسالمت آميز در اين منطقه جهان بكلي از بين خواهد رفت و احتمال جنگ هاي شديدتر و دوامدار تر پيش بيني ميشود. **فال اقبال امريكا در جنگ پراكسي پاکستان و تروريزم بيروزي را نشان نميدهد.** تلاش ها به ابتكار انگلستان جريان دارد اگر بتواند بين دولت آسيب پذير آقاي حامد كرزي و حاميان افغاني دولت پاکستان كه فعلاً با امريكا و ناتو در حال جنگ هستند آشتي داده شود تا يك دولت ائتلافي را تشكيل نمايند و زمينه آغا ز خروج ابرومندان قواي امريكا و نا تو را از افغانستان در سال ۲۰۱۱ فراهم سازد و بارديگر سرنوشت افغانستان را به پاکستان بسپارند تا با طرح برنامه هاي افراطي، اسلام سياسي و شريعت از طريق پراكسي هاي خود بار ديگر بالاي افغانستان حاكميت پيداكنند.

در چنين اوضاع و حالات مبهم، دولت و مردم افغانستان بايد از خود يك ستراتژي ملي داشته باشد كه از طرف حكومت به مشوره و تأييد پارلمان و ساير نهادهاي سياسي افغانستان طرح و تثبيت شود. تا بحيث راهنماي حكومت در مذاكرات با مخالفين از آن استفاده شده و طبق آن عمل شود. به احزاب سياسي افغانستان هم كم بها داده نشود.

در نظام دموکراسی احزاب سیاسی در آینده رهبري افغانستانرا در دست خواهند گرفت. باید همه احزاب سیاسی در يك جلسه مشترك دعوت شوند و نظر شان گرفته شود و از جلسه مشترك خواسته شود که چند نفر نماینده شانرا انتخاب نمایند که در کنفرانس و لویه جرگه به نمایندگی از احزاب سیاسی بحیث ناظرین اشتراك نمایند. احزاب سیاسی هم باید از حالت تشتت و پراگندگی بسوی وحدت مرامی و سازمانی گام بردارند و در چند حزب ملی و پیشرو با هم مدغم و متحد شوند تا اعتبار و اعتماد شان در جامعه اعاده و ارتقاء یابد و در امر وحدت ملی، ایجاد جبهه متحد ملی و اشتراك در انتخابات وظایف ملی و اخلاقی شان را ادا کرده بتوانند. برای اینکه ما افغانها مردم وکشور خودرا از بحران خونین کنونی نجات بدهیم، چه کرده میتوانیم، چه امکانات و چه وسایل در دسترس و اختیار ما قرار دارد که از آن باید استفاده کرد. به عقیده نویسنده یگانه امکان و وسیله نجات مردم و کشور ما نیروی خلاق خود مردم ما است و از آن باید استفاده کرد. در قدم اول باید احزاب سیاسی متعهد به آرمان های والای ملی کشور ما جبهه متحد ملی را تشکیل نمایند و در مرحله دوم مبارزات مسالمت آمیز صلح، همبستگی و وحدت ملی در سراسر کشور ما براه انداخته شود. در قدم سوم در انتخابات پارلمانی سهم فعال گرفته شود تا جنبش وحدت و جبهه متحد ملی بتوانند اکثریت چوکی ها را در پارلمان بدست آورند. حکومت ملی به پشتوانه و حمایت پارلمان و مردم میتواند کار های بزرگ را بنفع مردم و کشور خود انجام بدهد. این کار ساده و آسان هم نیست اول باید ذهنیت و اندیشه ها در قشر چیز فهم جامعه آماده شود. در عین زمان علیه اندیشه های ضد وحدت ملی و ایجاد جبهه متحد ملی که طرفداران زیاد داخلی و خارجی دارد مبارزه شود. وحدت و اتحاد آگاهانه مردم بزرگترین و نیرومند ترین سلاح يك کشور است که ما باید عاقلانه و مدبرانه بالای آن کارکنیم. یگانه راه بیرون رفت از وضع کنونی وحدت واتحاد ملی ما است. به امید ایجاد جبهه متحد ملی سراسری و تأمین صلح و عدالت در افغانستان.